

بسم الله الرحمن الرحيم

- ✓ نویسنده آنچه ذیلاً می‌آید هیچگونه ادعایی مبنی بر انتساب این عبارات به استاد گرانقدر ندارد.
- ✓ از آنجاکه متن کتاب شریف نهاییه از نرم‌افزار نور برداشته شده است، استفاده از این متن صرفاً برای ۱-طلاب و ۲-دارندگان نرم‌افزار آثار علامه طباطبایی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) مجاز است.
- ✓ استاد گرانقدر در ابتدای شروع درس شریف نهاییه، خواندن نماز شب را شرط حضور در کلاس عنوان فرمودند؛ طبعاً این شرط درباره استفاده از این متن نیز جاری است.
- ✓ برای آماده‌سازی متن هر جلسه، علیرغم مشغله فراوان، دست کم سه ساعت زمان صرف می‌گردد به این امید که خدمت کوچکی به سربازان امام عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) انجام شود.

#جلسه ۱۲۳: ۹۸۰۹۰۲

ملاک سوم:

ذاتی‌ها بر ذات تقدم دارند ولی اعراض متأخر از ذات هستند. به بیان دیگر ذاتی‌ها تقدم بر ذات دارند و ذات تقدم بر اعراض. این تقدم، بالتجوهر و الماهیه است. یعنی شکل‌گیری و قوام ماهوی ذات، بلحاظ تقرر ماهوی محتاج است به تقرر اجزاء. تا اجزاء تقرر و هویت ماهوی نیابند کل -یعنی ذات ماهوی- نیز شکل نمی‌گیرد.

علامت این تقدم، این است که تعقل ذات بدون تعقل ذاتیات، میسر نیست. البته این اختصاص به ذهن ندارد و در خارج هم همینگونه است.

• بررسی میزان روایی ملاک سوم: به این ملاک تقریباً هیچ اشکالی وارد نشده است و بلحاظ مقام ثبوت واقعاً هم اشکالی به آن وارد نیست؛ اما بنظر میرسد این ملاک بلحاظ مقام اثبات، تمام نباشد زیرا بحث ما بر سر تمیز است و سوال این است که اگر توده‌ای از مفاهیم ماهوی در خصوص یک ماهیت مطرح باشد، چگونه باید تشخیص دهیم که کدامیک تقدم بالتجوهر بر ذات دارد و کدامیک تأخر؟ خصوصاً اگر بین اینها اعراض لازم هم باشد. * ← پس اگرچه این ملاک، معیار خوبی است اما همچنان برای تشخیص ذاتیات از لوازم، نیازمند فرایندهای کاربردی‌تر هستیم.

و کونه متقدما علی ذی الذاتی تقدما بالتجوهر كما سیجیء إن شاء الله [مرحله ۱۰ فصل ۱]

[عامل سومی که موجب تمیز ذاتی از عرضی میشود این است که] ذاتی متقدم بر ذات است بالتجوهر

• مراد از جوهر در «تقدم بالتجوهر»، جوهر اصطلاحی که در برابر عرض قرار دارد نیست؛ مراد از جوهریت در اینجا، هویت ذاتی خود شیء است. فلذا این تقدم بالتجوهر در اعراض هم پیاده میشود. مثلاً یکسری از کیفیات هستند که مختص به کمیات میباشند یعنی عارض بر کمیت میشوند. در چنین جایی اجزاء و مؤلفه‌های ذاتی کم، تقدم بالتجوهر بر کم دارند و خود کم نیز تقدم بالتجوهر بر آن کیف عارض بر کم دارد.

فرع:

• در اینجا علامه یک نکته میفرماید که در واقع نتیجه‌ای است که از محتوای ملاک اول حاصل شده است. سپس در ادامه یک اشکال با دو پاسخ بیان می‌فرماید که مربوط به ملاک سوم است. با این حساب خیلی بهتر بود که این فرع را یا ذیل ملاک اول می‌آوردند و یا اینکه ابتدا آن اشکال و پاسخ‌ها را مطرح می‌فرمودند و سپس در انتهای فصل، این فرع را تذکر میدادند.

• توضیح فرع: در ملاک اول فرمودند ذاتی برای ذات بدیهی الثبوت است. در اینجا میفرمایند: این سخن بدین معناست که حمل یک ذاتی بر ذات [الإنسان حیواناً]، مانند حمل ذات بر ذات [الإنسان إنساناً] و نیز مانند حمل همه ذاتیات بر ذات [الإنسان حیواناً ناطقاً]، حمل اولی (=بدیهی) است.

و قد ظهر مما تقدم أن الحمل بين الذات و بين أجزائه الذاتية حملٌ أولی

اولی است زیرا ذاتی، عین ذات است.

• دقت دارید که مراد از حمل بین ذات و اجزاء ذاتیه، فقط حمل یک جزء ذاتی بر ذات است یعنی اولاً حمل خود ذات بر ذات و ثانیاً حمل همه ذاتیات بصورت یکجا بر ذات، مد نظر نیست زیرا آنها بالاتفاق، اولی اند.

• بررسی: در این بحث، فراز و نشیب‌هایی وجود دارد. جناب استاد فیاضی در تعلیقه‌شان فرموده‌اند که این نگاه اختصاص به خود علامه دارد و حکما حمل ذاتی (جزء ذات) بر ذات را اولی نمیدانند. اینکه سخن ایشان تا چه حد صحیح است قابل تعقیب است و میتوانید بخشی از آن را در شرح مرحله ۵ نه‌ایة الحکمة استاد عبودیت ص ۱۶۴ ذیل همین عبارت بیابید.

اشکال به ملاک سوم:

• این اشکال، مربوط به ملاک سوم است. توضیح اینکه اگرچه ضمیر هاء در "به" برمیگردد به «ما تقدم» و مراد از آن، عینیتی است که بین ذاتی و ذات برقرار است؛ اما کل این اشکال، تتمه ملاک سوم است زیرا علامه میفرمایند: «و به یندفع الإشکال فی تقدم أجزاء الماهية علیها» و تقدم ماهیت در ملاک سوم مطرح شد.

• طرح اشکال:

ملاک سوم این بود که ذاتی متقدم بر ذات است. مستشکل میگوید: از طرفی شما میگویید ذاتیات عین ذات هستند و از طرفی میگویید ذاتی متقدم بر ذات است؛ خب این میشود تقدم شیء بر نفس.

• توجه: محل شکل‌گیری اشکال ← توجه داشته باشید که اصل این اشکال در خصوص ذاتیات [=همه ذاتی‌ها] با ذات شکل میگیرد نه ذاتی [=یک ذاتی] با ذات. زیرا وقتی یک جزء ذاتی را بر ذات حمل میکنیم [الإنسان حیواناً]، وجه مغایرت شفاف است یعنی اگرچه یک نوع عینیت دارند اما مغایرتشان نیز واضح است. اما وقتی تمام اجزاء [=ذاتیات] را بر ذات حمل کنیم، این اشکال پدید می‌آید. زیرا تمام اجزاء عین خود ذات هستند و کیفیت تقدم آنها بر ذات، شفاف نیست.

و به یندفع الإشکال فی تقدم أجزاء الماهية علیها

و بوسیله آنچه در ملاک سوم گذشت [یعنی عینیت بین اجزاء ذات و خود ذات]، اشکالی که درباره تقدم اجزای ماهیت بر ماهیت مطرح شده، مندفع میگردد.

[بیان اشکال ←] بأن مجموع الأجزاء عینُ الكل فتقدم المجموع علی الكل تقدمُ الشيء علی نفسه و هو محال

اشکال این است که: مجموع اجزای یک ماهیت همان کل آن ماهیت است. پس اگر بگوییم «مجموع اجزای یک ماهیت بر کل آن ماهیت تقدم دارند» معنایش آن است که شیء بر خودش تقدم دارد، و این محال است.

• اینکه فرمود: «مجموع الأجزاء» اشاره دارد به اینکه: اشکال مورد نظر فقط وقتی شکل میگیرد که شما تمام ذاتیات را لحاظ کنید نه فقط یک ذاتی را.

پاسخ اول:

آنچه شما بعنوان اجزاء ذات تلقی میکنید در حقیقت عین خود ذات است و لذا حمل بین اینها اولی ذاتی است اگر هم بحث اجزاء و کلّ داریم فقط در فضای حدّ است نه در فضای واقعیت خارجی. به بیان دیگر، ذاتیات اجزاء هستند در مقام حدّ، و عین ذات هستند در نفس الأمر خارجی.

وقتی واقعیت خارجی ماهیت را در نظر بگیرید، اجزاء، عین ذات ماهیت هستند، یعنی اساساً بینشان مغایرتی نیست تا یکی بر دیگری تقدم داشته باشد و بعد اشکال شود که تقدم شیء بر نفس پدید می آید. بعنوان مثال در فضای حدّ است که حیوان و ناطق، جزء انسان قرار میگیرند؛ اما بلحاظ واقعیت خارجی، حیوانیت و ناطقیت، عین خود انسان است و اساساً بینشان تقدم و تأخری مطرح نیست.

• بررسی پاسخ اول: خب دقت دارید که این پاسخ، مسأله را به شدت پیچ در پیچ میکند. بعداً در مطالعه تان ابتدا برخورد میکنید به اینکه پاسخ اول -برخلاف پاسخ دوم-، تناسبی با اشکال ندارد؛ سپس منتقل میشوید به اینکه اساساً آیا ملاک سوم در واقعیت خارجی بود یا صرفاً در فضای حد و تعریف؟؛ سپس این اشکال پیش می آید که اگر فقط در فضای حدّ باشد، اشکال هم در ذاتی ها برقرار است و هم در ذاتیات (کل اجزاء). همچنین سوال دیگری که مطرح است این است که مگر ملاک سوم، در فضای جنس و فصل در مقایسه با حد بود؟ و مگر از منظر واقع نبود؟ یعنی تقدمی که در آنجا مطرح کردید مگر بلحاظ واقعیت خارجی نبود؟

پس دقت دارید که متن فراز و نشیب عجیبی دارد. اگر علامه با التفات، این کار را کرده باشد، خیلی جالب است. زیرا این کار یکی از بهترین روش های متن نویسی پرمطلب است.

و ذلك أن الذاتی سواء كان أعم -و هو الجنس- أو أخص -و هو الفصل- عین الذات و الحمل بینهما أولى و إنما سمی جزءاً لوقوعه جزءاً من الحد

پاسخ اول این است که ذاتی-خواه اعم باشد(جنس) یا اخص(فصل)- عین ذات است، و حمل میان جنس با ذات و نیز فصل با ذات، حمل اولی است، و این که گفته میشود: «ذاتی جزء ماهیت است»، از این روست که جزء حدّ ماهیت میباشد یعنی چون در فضای حدّ، انسان را حیوان ناطق در نظر میگیریم، حیوان و ناطق، جزء انسان هستند.

پاسخ دوم:

گفتیم اشکال مورد نظر فقط وقتی قابل طرح است که همه ذاتیات -و نه تک اجزاء- را با ذات در نظر بگیریم؛ در چنین حالتی مستشکل میگوید همه ذاتیات، عین کل است و تقدم آن بر ذات، تقدم شیء بر نفس است.

پاسخ دوم میگوید: ذاتیات را به دو اعتبار میتوان لحاظ کرد:

۱- جمیع الأجزاء: در این لحاظ، شما تمام اجزاء را در نظر میگیرید. تمام الأجزاء، غیر از کلّ است زیرا کلّ، همان اجزاء است به اضافه یک ترکیب اتحادی، فلذا "همه اجزاء" میتوانند بر ذات با وصف کلیت، تقدم داشته باشند.

۲- مجموع الأجزاء: در این لحاظ، تمام اجزاء، عین کلّ هستند و اساساً درباره آن، ادعای تقدم بر ذات نداریم.

* بنابرین نه تنها تک تک اجزاء متقدم بر کل هستند بلکه همه اجزاء نیز بر کل تقدم دارند و تقدم شیء بر نفس هم پیش نمی آید زیرا مراد از همه اجزاء، جمیع الأجزاء است نه مجموع الأجزاء. پس اگر گفته میشود ذاتیات تقدم بر ذات دارند مراد اجزاء بوصف الجزئية هستند نه به این وصف که درون یک کل و مرکب قرار دارند.

[پاسخ دوم: على أن إشكال تقدم الأجزاء على الكل مدفوع بأن التقدم للأجزاء بالأسر على الكل = مجموع] و بین الاعتبارین تغایر.

ضمن اینکه اشکال مذکور بدین صورت نیز دفع میشود که: مراد از تقدم اجزاء بر کل، تقدم اجزاء با قطع نظر از حیثیت اجتماعشان است. به بیان دیگر وقتی میگوییم: «اجزاء بر کل تقدم دارند» تقدم شیء بر خودش لازم نمی آید، زیرا اجزاء با قطع نظر از حیثیت اجتماعشان بر کل تقدم دارند، و کل عبارت است از مجموع اجزاء بوصف کلیت و بشرط اجتماع، و این دو اعتبار [یعنی جمیع و مجموع] مغایر یکدیگرند.

• نکته ای که در پایان این فصل باید گفت، این است که: همانطور که شیخ الرئيس و سایر حکما گفته اند، تشخیص ذاتیات یک ماهیت و استخراج حدّ او، اگر نگوییم محال است، بسیار مشکل است و به مطالعات فراوان دانشی نیاز دارد.